



تاریخ گذاری سوره قدر

با تأکید بر مکی یا مدنی بودن سوره*

رحمان عشریه^۱

علیرضا کاوند (نویسنده مسؤل)^۲

ابوذر خیراندیش^۳

چکیده:

تاریخ گذاری یا تعیین زمان نزول سوره‌ها هر چند عنوانی جدید در تحقیقات قرآنی است، اما علوم زیربنایی آن، همچون ترتیب نزول، اسباب نزول و ... از صدر اسلام مطرح بوده است. اهمیت تعیین مکی یا مدنی بودن سوره‌ها باعث تصحیح برداشت، شناخت مصادیق صحیح از غیر صحیح و مانع از حمل معانی و مصادیق نامربوط بر سوره‌های قرآن است. در مکان و زمان نزول تعداد اندکی از سوره‌ها اختلاف نظر وجود دارد که سوره قدر از جمله آنهاست. با گردآوری و تحلیل گزارش‌های ترتیب نزول، سبب نزول، بررسی اطلاعات سوره‌هایی که به همراه این سوره نازل شده، می‌توان به زمان و مکان تقریبی نزول این سوره دست یافت. در خصوص سوره قدر تاریخ گذاری صحیح، مانع از خلط شأن نزول با تطبیق سوره بر خدادهایی چند است. این تحقیق با رویکرد توصیفی - تحلیلی، در پی اثبات مکی بودن سوره قدر در سال چهارم یا پنجم بعثت پیامبر ﷺ است.

کلیدواژه‌ها:

دعوت پیامبر / ترتیب نزول / سبب نزول / بنی امیه / جری و تطبیق / سوره قدر

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۸، تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۰/۲.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2018.52241.2212

oshryeh@quran.ac.ir

kavand@quran.ac.ir

kheyrandish@ut.ac.ir

۱- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۲- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۳- دانش‌آموخته دکتری دانشگاه قم

طرح مسأله

تاریخ‌گذاری یا تعیین زمان و ترتیب تاریخی هر یک از سوره‌ها و یا بخش‌های آن به کمک روایات ترتیب نزول، مکی و مدنی، اسباب نزول، ناسخ و منسوخ، تاریخ پیامبر ﷺ و تصریحات یا تلویحات خود قرآن به رویدادهای زمانمند تاریخ رسالت، از علوم و مباحث بااهمیت در شناخت دقیق و درست قرآن مجید است (نکونام، ۱۳۸۰: ص ۲). بسیاری از سوره‌های قرآن مکی و تعداد کمتری بدون اختلاف مدنی است، ولی در مکی و مدنی بودن (مکان و زمان نزول) اندک سوره‌هایی اختلاف وجود دارد که سوره قدر در زمره این چند سوره است. مسأله این تحقیق، بررسی و تحلیل نظرات مختلف و روایات وارده در خصوص این سوره و شناخت زمان صحیح نزول سوره است تا از این راه، خلطی که بین شأن نزول سوره با جری و تطبیق آن شده، روشن شود؛ امری که باعث شده تا برخی اندیشمندان به سبب آن، سوره قدر را مدنی بدانند.

نوشته حاضر پس از گزارش‌های رسیده در ترتیب نزول سوره‌های قرآن و گفتار مفسران درباره این سوره، بیان شأن نزول‌های واردشده برای آن و بیان ویژگی‌های غالبی سوره‌های مکی و مدنی و نقد و بررسی آنها، در پی اثبات مکی بودن سوره و نزول آن در اوایل علنی شدن دعوت پیامبر ﷺ در مکه است.

مکی یا مدنی بودن سوره قدر بر اساس روایات ترتیب نزول

در این بخش به بررسی روایات ترتیب نزول سوره‌های قرآن جهت نیل به زمان صحیح نزول سوره قدر پرداخته می‌شود.

الف) گزارش روایات

روایاتی که ترتیب نزول مجموعه سوره‌های قرآن را ذکر کرده‌اند، یکی از راه‌های دستیابی به مکی و مدنی بودن سوره قدر است. طریق این روایات به همراه بیان این مطلب که این روایات سوره قدر را چندمین سوره و بین چه سوره‌هایی دانسته‌اند و در بخش مکی یا مدنی آورده‌اند، در ادامه آورده می‌شود.



۱. روایت ابن عباس از طریق عثمان بن عطاء

از پدرش عطاء خراسانی (۱۳۵ق)، که این روایت را از طریق یادشده در ادامه روایت کرده‌اند:

- این ضریس (۲۹۴ق)، که وی این روایت را با گزارش همه سوره‌ها، در دو بخش مکی و مدنی و با کاربرد حرف عطف «ثم» آورده که به ترتیب نزول سوره‌ها اشاره می‌کند. در بخش مکی، ۸۶ سوره و در بخش مدنی ۲۸ سوره قلمداد می‌شود. در این روایت سوره قدر بیست و چهارمین سوره و در بخش مکی است که بین دو سوره عبس و شمس قرار دارد. (ابن ضریس، ۱۴۰۸ق: ص ۳۳)

- حسکانی (۴۷۰ق)، او از مفسرانی است که روایت را از طریق یادشده، با چند سند می‌آورد و آن‌گاه سوره‌های مدنی را به ترتیب ذکر می‌کند، ولی نامی از سوره قدر نمی‌برد، از این رو مکی محسوب می‌شود. (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ص ۴۰۹)

- طبرسی (۵۴۸ق) مفسر دیگری است که این روایت را از طریق یادشده، ولی با سند و منابعی دیگر یادآور می‌شود. متن روایت با روایت ابن ضریس شباهت زیادی دارد که در این روایت، سوره قدر مکی و بین دو سوره عبس و شمس واقع شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ص ۶۱۲)

۲. روایت ابن عباس از طریق ابن جریج (۱۵۰ق)

از عطاء خراسانی: این روایت را از طریق یادشده در ادامه روایت کرده‌اند:

- این ضریس، وی پس از نقل کامل روایت ابن عباس از طریق نخست، به روایتی شبیه آن از طریق ابن جریج، از عطاء خراسانی اشاره می‌کند، با این تفاوت که ابن جریج سوره ضحی را با دو احتمال مکی و مدنی گزارش می‌کند. (ابن ضریس، ۱۴۰۸ق: ص ۳۵)

- ابن ندیم (۴۳۸ق)، او در کتاب فهرست خود روایتی را در باب مکی و مدنی بیان می‌کند که در این روایت، ۸۵ سوره را مکی و بقیه سوره‌ها را مدنی می‌داند و سوره قدر را در زمره سوره‌های مکی به‌شمار آورده است. (ابن ندیم، ۱۴۱۷ق: ص ۴۳)

- حسکانی، وی پس از ذکر روایتی از طریق نخست، روایتی را به آن اشاره می‌کند همانند روایت اولی، اما با این تفاوت که از طریق ابن جریج از عطاء خراسانی آن روایت را بیان می‌کند. (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ص ۴۱۰)



۳. روایت ابن عباس از طریق مجاهد (۱۰۴ق)

که افراد زیر آن را نقل کرده‌اند:

- ابو جعفر نحاس (۳۳۸ق)، وی از این طریق اظهار نظر ابن عباس را در مورد مکی و مدنی بودن سوره‌ها به ترتیب کنونی قرآن و در سرآغاز سوره‌ها، هنگام بررسی آیات ناسخ و منسوخ هر سوره و یا چند سوره ذکر می‌کند و در بخشی از آن، سوره قدر را مدنی می‌شمارد (نحاس، بی‌تا: ص ۲۶۰). سیوطی گفتار پراکنده نحاس را گرد می‌آورد - هرچند در گزارش سوره‌های پایانی دقت لازم را از دست می‌دهد - و سند آن را می‌ستاید و همه افراد آن را تقه می‌خواند. (سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ص ۵۷)

- ابن ندیم، او سوره‌های مکی را به نقل از مجاهد (بدون اسناد به ابن عباس) برمی‌شمارد، که سوره قدر را مکی به حساب می‌آورد. (ابن ندیم، ۱۴۱۷ق: ص ۲۸)

۴. روایت جابر بن زید (۹۳ق)

سیوطی (۹۱۱ق) این روایت را با ذکر سند یاد می‌کند. سوره‌ها در دو بخش مکی و مدنی، جداگانه و با حرف عطف «ثم» که بیانگر ترتیب نزول است، گزارش می‌شود. در این روایت سوره قدر مکی و بین دو سوره عبس و شمس قرار دارد. (سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ص ۹۶)

۵. روایت عکرمه (۱۰۵ق) و حسن بصری (۱۱۰ق)

این روایت را افراد زیر ذکر کرده‌اند:

- بیهقی (۴۵۸ق)، روایت را با سند علی بن حسین بن واقد، از پدرش، از یزید نحوی - از عکرمه و حسن بن ابی‌الحسن - می‌آورد. در این روایت، نخست سوره‌های مکی را بر اساس ترتیب نزول با حرف عطف «واو» ذکر می‌کند، سپس به همین ترتیب به سوره‌های مدنی می‌پردازد که بر اساس این روایت، سوره قدر در دسته سوره‌های مکی و میان سوره‌های عبس و شمس قرار می‌گیرد. سیوطی گفتار بیهقی را در دو مجموعه از علوم قرآن خود بیان می‌کند. (سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ص ۴۰؛ همو، ۱۴۲۱ق: ص ۳۴)

- حسکانی همین روایت را با دو سند ولی با اختصار متن بیان می‌دارد. (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ص ۴۱۳)

- طبرسی نیز روایت آن دو را به نقل از احمد زاهد در الايضاح او، اما همانند حسکانی به صورت اختصار یادآور می‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ص ۶۱۴)

۶- روایت علی بن ابی طلحه

روایت او از ابو عبید قاسم بن سلام (۲۲۴ق) به نقل از عبدالله بن سالم، از معاویه بن سالم، از علی بن ابی طلحه آمده که ۲۴ سوره را مدنی می‌داند و سوره قدر در میان سوره‌های مدنی قرار گرفته است (ابو عبید، ۱۴۲۶ق: ص ۲۲۱). این گفتار ابو عبید را سیوطی در دو کتاب علوم قرآن خود می‌آورد. (سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ص ۴۳-۴۴؛ همو، ۱۴۲۱ق: ص ۳۵)

۷- روایت عطاء بن ابومسلم خراسانی (۱۳۵ق)

روایت عطاء را ماوردی (۴۵۰ق) از طریق آدم بن ابی ایاس، از ابی شیبه شعیب بن زریق، از عطاء خراسانی می‌آورد و آن را بهترین روایت در این باب می‌خواند، که سوره قدر در میان سوره‌های مکی و بین دو سوره عبس و شمس مشاهده می‌شود (ماوردی، بی‌تا، ج ۶: ص ۳۰۹). حسکانی این روایت را باز با همان سند اما با اختصار متن بیان می‌کند. (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۴: ص ۲۰۴)

۸ گفتار ابن جوزی (۵۹۷ق)

ابن جوزی در این باب سخن ابن شیطا را نقل می‌کند که بر اساس آن روایت، ۲۹ سوره را مدنی و ۸۵ سوره باقیمانده را مکی می‌داند، که سوره قدر را جزء سوره‌های مکی به‌شمار آورده است. (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق (ب): ص ۱۶۰)

۹. سروده ابن حصّار (۶۱۱ق)

ابن حصّار که سوره‌های مدنی مورد اتفاق را بیست سوره و سوره‌های اختلافی را دوازده سوره و دیگر سوره‌ها را به اتفاق مکی می‌داند، در ابیاتی دو دسته نخست را به نظم کشیده است. او در این سروده، سوره قدر را در میان سوره‌هایی قرار داده که در مکی و مدنی بودن آن اختلاف است. (سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ص ۴۴؛ همو، ۱۴۲۱ق: ص ۳۳)

۱۰. ترتیب زرکشی (۷۹۴ق)

زرکشی در این ارتباط، تنها یک گفتار، بدون ذکر سند و منبع - ولی به تصریح خود- بر پایه روایت افراد موثق ارائه می‌دهد. وی ۸۵ سوره را در بخش مکی و ۲۸



سوره را در بخش مدنی معرفی می‌کند، که سوره قدر در زمره سوره‌های مکی و در میان دو سوره عبس و شمس قرار دارد. (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۲۸۰)

۱۱. اقوال سیوطی (۹۱۱ق)

سیوطی در میان گذشتگان، شاید بیشترین اقوال را در گزارش سوره‌های مکی و مدنی گرد می‌آورد. از هشت گفتار، او در دو گزارش خود از نحاس و ابو عبید صاحب فضائل القرآن، مدنی بودن سوره قدر را به دست می‌دهد. و بقیه موارد بر مکی بودن سوره دلالت دارد (سیوطی، بی تا، ج ۱: صص ۵۴-۶۱). از سوی دیگر در فصل گزارش سوره‌های اختلافی، قدر را در زمره آنها برمی‌شمارد که بر اساس روایات نقل شده از ترمذی و حاکم، مدنی بودن سوره را گزارش می‌دهد. (همان: ص ۶۸)

۱۲. روایت شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام

شیخ صدوق با اسناد مختلف تحویلی و عطفی که در مجموع چهل سند می‌شود و در میان آنها اسناد صحیح و محکمی نیز هست، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «إن الله عرج بنبيه صلوات الله عليه فأذن جبرئيل فقال: الله أكبر... ثم أمرني ربي العزيز الجبار أن لا ألتفت يسارا و أول سورة سمعتها بعد قل هو الله أحد، إنا أنزلناه في ليلة القدر...» (صدوق: ۱۳۸۵، ج ۲: ص ۳۱۶). طبق این نقل، حضرت رسول صلوات الله عليه پس از تعلیم یافتن اذان و نماز در معراج، می‌فرماید: اولین سوره‌ای که پس از سوره توحید شنیدم، سوره قدر بود. این روایت با گزارش معروف ابن عباس و مشهور ترتیب نزول سوره‌های قرآن تا حدی موافق است؛ چراکه در ترتیبی که ابن عباس نقل کرده، تنها دو سوره نجم و عبس بین توحید و قدر فاصله است.

سوره توحید بنا بر مشهور و شهادت سیاق و بحث توحید و نفی شرکی که در آن مطرح شده، سوره‌ای مکی است، و شأن نزولی که جابر بن عبدالله نقل کرده که قریش از پیامبر خواستند تا خدای خویش را برایشان معرفی کند و این سوره نازل گشته، مؤید مکی بودن آن است (ابن عاشور: بی تا، ج ۳۰: ص ۵۳۵). بنابراین سوره‌ای که بلافاصله پس از این سوره یا با فاصله شدن چند سوره کوتاه از این سوره نازل می‌شود، نمی‌تواند مدنی باشد.

از طرفی در گزارش معروف ابن عباس، سوره قدر پس از سوره عبس آمده و سوره عبس به اتفاق اندیشمندان علوم قرآنی، سوره‌ای مکی است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳۰: ص ۸۹). مشهور مفسران سوره عبس را درباره عبدالله بن ام‌مکتوم دانسته‌اند. وقتی که پیامبر مشغول دعوت سران قریش و مشرکان به اسلام بود، وی بر پیامبر وارد شد و چون نابینا بود، چندان متوجه فضای موجود نشد و با تکرار سخن خود، از پیامبر می‌خواست که برایش از وحی بخواند و در کار پیامبر وقفه انداخت و ایشان ناراحت شد (همان: ص ۹۱). برخی نیز شخص مورد عتاب را فردی از بنی‌امیه دانسته‌اند که با دیدن ابن‌ام‌مکتوم، خویش را جمع کرد و اظهار ناخرسندی نمود (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ص ۲۶۸). به هر حال از شأن نزول این سوره و گزارش‌های ترتیب نزول آن برمی‌آید که این سوره در مکه و سال‌های پس از بعثت هنگام دعوت سران قریش به اسلام بوده و قطعاً سوره‌ای (قدر) که پس از این سوره نازل می‌شود، در مدینه نخواهد بود.

در روایتی که صدوق به نقل از حضرت رسول صلی الله علیه و آله آورده که سوره قدر اولین سوره‌ای بوده که حضرت پس از سوره اخلاص شنیده است، دو احتمال وجود دارد: یا اینکه این سوره را پس از سوره اخلاص در زمانی که در زمین بوده، شنیده که باز سوره قدر مکی می‌شود؛ چون سوره اخلاص مکی است، و یا اینکه سخن حضرت مرتبط با معراج است؛ یعنی اولین سوره‌ای که پس از اخلاص در معراج شنیده، این سوره بوده که باز سوره قدر مکی خواهد بود؛ چراکه معراج پیامبر به اتفاق همه پیش از هجرت بوده است (فتح‌الله کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۵: ص ۲۳۷) و دو سوره‌ای که رخداد معراج را گزارش کرده‌اند (اسراء و نجم)، هر دو مکی هستند. (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۴: ص ۵)

در ترتیب نزول مشهور ابتدا سوره اخلاص، سپس نجم و عبس و بعد سوره قدر است، سوره نجم و عبس شأن نزول داشته و به علت خاص نازل شده‌اند و احتمال دارد سخن حضرت که اولین سوره پس از اخلاص قدر بوده، سوره‌ای باشد که به صورت طبیعی و بدون داشتن شأن نزول بوده است، یا ممکن است سخن ایشان ناظر به معراج باشد. اما به هر حال اینکه حضرت از شنیدن این سوره پس از اخلاص خبر می‌دهد، نشان از مکی بودن آن است.

ب) چند نکته و نقد

نکته‌ها

۱- سند غالب این روایات به ابن عباس و یا به شاگردان بی‌واسطه او همچون مجاهد، عکرمه، حسن بصری و یا شاگردان باواسطه وی همچون زهری، عطاء خراسانی و مقاتل بن سلیمان می‌رسد. ابن عباس اعتراف دارد که بیشتر دانش خود را وامدار حضرت علی علیه السلام است، علاوه بر اینکه وی از صحابه سالخورده‌ای همچون ابی بن کعب و ابن مسعود مطالبی گرفته است. (سیوطی، بی تا، ج ۱: ص ۵۴؛ نکونام، ۱۳۸۰: ص ۱۳۴)

۲- بر اساس بیشتر این روایات که بیانگر ترتیب نزول سوره‌هاست، سوره قدر مکی و بین دو سوره عبس و شمس قرار دارد، جز در دو مورد که مدنی بودن سوره گزارش شده که در آن دو روایت، سوره قدر مدنی و بین دو سوره لیل و بینه قرار دارد. سوره‌های عبس و شمس بدون اختلاف مکی هستند، اما در مورد سوره‌های لیل و بینه اندکی اختلاف وجود دارد.

نقدها

غالب این روایات و اقوال مکی بودن سوره قدر را گزارش می‌کنند، اما دو موردی که به مدنی بودن سوره حکم می‌کنند، قابل نقد و بررسی است.

۱- **گفتار نحاس:** گزارش نحاس در روایت مجاهد از ابن عباس، با گفتار ابن ندیم که روایت مجاهد را در برشماری سوره‌های مکی گزارش کرده و سوره قدر را مکی می‌داند، در تعارض است. این روایت در برابر آن روایات کثیر که سوره را مکی می‌داند، انفراد دارد.

۲- **روایت علی بن ابی طلحه:** روایت علی بن ابی طلحه در گفتار ابو عبید، در برابر انبوه روایات صحابه و نیز تابعان قبل و معاصر او توان استقامت ندارد. گذشته از آنکه علی بن ابی طلحه صحابی را ذکر نمی‌کند و حال آنکه در این زمینه شایسته نیست که اجتهاد نماید؛ زیرا بحث مکی و مدنی بر پایه روایات ترتیب نزول و اسباب نزول است. از طرفی ایشان در این روایت ظاهراً در صدد برشمردن سوره‌ها بوده، نه ترتیب نزول آنها؛ چرا که ایشان در این نقل، سوره مائده و توبه را در اوایل سوره‌های مدنی ذکر کرده است، در حالی که آن دو در اواخر مدینه بوده‌اند، نه ابتدای آن. دیگر اینکه در این نقل،



سوره‌های فجر، لیل و قدر را مدنی دانسته، در حالی که روایات دیگر مکی می‌دانند و سوره‌های رعد، الرحمن، انسان، جمعه و حجرات را مکی دانسته، در حالی که این سوره‌ها مدنی هستند. پس این نقل و ترتیب ذکر شده در آن اعتباری ندارد.

۳- روایتی که مرحوم صدوق به سند صحیح از امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده، مکی بودن سوره قدر را به وضوح بیان می‌کند.

۴- سروده ابن حصّار: ابن حصّار در این راستا سروده‌ای در سوره‌های مکی و مدنی دارد و گفته شد سوره قدر را از موارد اختلافی برشمرده، اما روشن است که ایشان در این سروده در صدد برشمردن آرای پیشینیان و به نظم کشیدن آنهاست و گفته شد قول مدنی بودن سوره - علاوه بر اینکه مستند به ابن عباس بود و او در قول دیگر مکی بودن را گزارش داده - در نقلی آمده که پر از تهافت است و نه تنها سوره قدر، که دیگر سوره‌ها را به اشتباه چیش کرده است. ضمن اینکه ایشان سروده خود را مستند نمی‌کند، از این رو به سروده او اعتنایی نیست.

مکان نزول سوره قدر در گفتار مفسران

الف) گزارش و بررسی روایات و دیدگاه‌ها

مفسران قرآن کریم غالباً هنگام سرآغاز تفسیر هر یک از سوره‌های قرآن، روایات و اخبار مکی یا مدنی هر سوره را یادآور می‌شوند. برخی از آنها به یک روایت و یا به یک اظهارنظر بسنده می‌کنند، اما برخی دیگر روایات مختلف را گرد می‌آورند؛ هرچند برخی بدون ذکر سند و یا در یک اجتهاد و اظهارنظر شخصی، مکان نزول سوره را ذکر می‌کنند. سوره قدر نیز در این عملکرد داخل می‌شود. این نقل قول‌ها در تعیین مکان و زمان نزول سوره قدر مؤثر است. نخست این مطلب به ترتیب تاریخی راویان - صحابه و تابعان - و نیز ترتیب زمانی مفسران گزارش می‌شود.

- عبدالله بن زبیر (۷۳ق): شوکانی به نقل از ابن مردویه از ابن زبیر، مکی بودن سوره قدر را گزارش می‌کند. (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ص ۵۷۵)

- جابر بن زید (۹۳ق): ابن عاشور با گزارش روایت جابر بن زید، نظر او را به مکی بودن سوره قدر معطوف می‌دارد. (ابن عاشور، بی تا، ج ۳۰: ص ۴۰۱)

- ضحاک (۱۰۰ق): روایت ضحاک مبنی بر مدنی بودن سوره را این افراد در کتاب‌های خود گزارش می‌دهند: ابن عاشور، بی تا، ج ۳۰: ص ۴۰۱؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰:



ص ۳۸۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۱: ص ۱۲۹؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق (الف)، ج ۴: ص ۶۶۹. ابن طاووس مکی بودن سوره را از ضحاک گزارش می‌دهد. (حلی، بی تا: ص ۲۹۳)

- قتاده (۱۱۸ق): مفسرانی که به نقل قتاده مکی بودن سوره قدر را گزارش کرده‌اند، عبارت‌اند از: ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵: ص ۵۰۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰: ص ۲۴۷؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ص ۶۱۱؛ جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ص ۴۰۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰: ص ۳۴۱.

- عطاء خراسانی (۱۳۵ق): طوسی به نقل از عطاء خراسانی، مکی بودن سوره را گزارش می‌دهد (طوسی، بی تا، ج ۱۰: ص ۳۸۴). و ابن طاووس نیز از عطاء خراسانی، مدنی بودن سوره را گزارش می‌دهد. (حلی، بی تا: ص ۲۹۳)

- مقاتل بن سلیمان (۱۵۰ق): ابن جوزی به نقل از مقاتل، مدنی بودن سوره را گزارش می‌دهد. (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق (الف)، ج ۴: ص ۶۶۹)

- عایشه: شوکانی و سیوطی مفسرانی هستند که مکی بودن سوره را از عایشه گزارش داده‌اند. (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ص ۵۷۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ص ۳۷۰)

- مکی بودن سوره بدون سند: این مفسران بدون ذکر سند یا اظهارنظرهای شخصی، به مکی بودن سوره نظر داده‌اند: ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸: ص ۴۳۴؛ ابن جزری، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ص ۴۹۹؛ زمخشری، بی تا، ج ۴: ص ۷۸۰؛ طنطاوی، بی تا، ج ۱۵: ص ۴۶۱؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ص ۲۸۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲: ص ۲۲۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ص ۳۷۰؛ زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۳۰: ص ۳۳۰؛ مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰: ص ۳۱۰؛ مراغی، بی تا، ج ۳۰: ص ۲۰۶؛ دروزه، ۱۳۸۳، ج ۲: ص ۱۲۹. ماوردی می‌گوید: «بیشتر مفسران و راویان، مکی بودن سوره را گزارش کرده‌اند.» (ماوردی، بی تا، ج ۴: ص ۴۳۸) ابن عاشور می‌گوید: «نظر جمهور به مکی بودن سوره قدر است، اما کسانی که موافق مدنی بودن سوره هستند، در این صورت این نقل اقتضا می‌کند که سوره قدر بعد از مطفین و قبل از سوره بقره نازل شده باشد.» (ابن عاشور، بی تا، ج ۳۰: ص ۴۰۱؛ دخیل، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ص ۸۲۰؛ ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ج ۱۰: ص ۳۰۱؛ سمرقندی، بی تا، ج ۳: ص ۶۰۱؛ شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵: ص ۵۳؛ جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ص ۴۰۸؛ فتح‌الله کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱۰: ص ۳۰۱؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ص ۴۳۱؛ کاشانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ص ۱۶۹۹؛ مغنیه، بی تا، ج ۷: ص ۵۹۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۱۴۶۲؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ص ۶۰۳)

- مدنی بودن سوره بدون ذکر سند: برخی مفسران مدنی بودن سوره را با اظهار نظر شخصی بیان نموده‌اند. واقدی معتقد است اولین سوره نازل شده در مدینه، سوره قدر است که برای ترغیب به احیاء شب قدر و بعد از اعلام وجوب روزه ماه رمضان و بعد از هجرت بر پیامبر ﷺ نازل شده است. (ابن عاشور، بی تا، ج ۳۰: ص ۴۰۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰: ص ۳۴۱؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ص ۷۶۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۱: ص ۱۲۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰: ص ۲۴۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ص ۴۱۱؛ ابن قتیبه، بی تا، ج ۱: ص ۴۶۳؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ص ۴۵۰؛ نووی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ص ۶۵۱)

ب) نکته‌ها و نقدها

نکته‌ها

۱- سند بیشتر این روایات به ابن عباس و یا شاگردان بی واسطه وی می‌رسد.
 ۲- برخی از مفسران، روایات و اقوال موجود را گرد می‌آورند و خود اظهار نظری ندارند؛ هرچند برخی دیگر به صورت مستند و یا اجتهادی، تنها یک نظر را گزارش می‌کنند.

۳- مستند برخی مفسران، گزینش‌هایی از روایات ترتیب نزول سوره‌هاست.
 ۴- بیشتر مفسرانی که مدنی بودن سوره قدر را گزارش کرده‌اند، اغلب به دلیل سبب نزول سوره است که مدنی بودن سوره را محتمل می‌کند و در مباحث بعدی پس از گزارش این سبب نزول، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

نقدها

بیشتر روایات ترتیب نزول مکی بودن سوره را نشان می‌دهند و در اندک مواردی، سوره را مدنی معرفی می‌کنند که با نقد مواجه است.

- روایت عبدالله بن عباس: روایات مدنی بودن سوره با روایات مکی بودن سوره که از ابن عباس نقل شده و نیز با روایات صحابی معاصر او و نیز روایات تابعان و شاگردان او تناقض دارد. همچنین با روایات ترتیب نزول ابن عباس مبنی بر مکی بودن سوره در تناقض است. نیز روایت نقل شده از ابن عباس مبنی بر مدنی بودن سوره ناظر بر سبب نزول ذکر شده در مورد سوره است که در بخش‌های بعد اثبات خواهد شد.



- روایت ضحاک: گزارش‌های رسیده از مفسران در مورد روایت ضحاک مبنی بر مدنی بودن سوره، یکدیگر را نقض می‌کنند؛ زیرا برخی از مفسران روایت ضحاک را بر مکی بودن سوره گزارش کرده‌اند. همچنین روایت ضحاک با روایت معاصران او نیز در تناقض است.

- روایت عطاء خراسانی: روایت عطاء خراسانی در سعد السعود ابن طاووس با روایت خود او در تفسیر دو تن از مفسران قبل از او (ماوردی و حسکانی) در گزارش ترتیب نزول و مکی بودن سوره قدر در تناقض است.

- روایت مقاتل بن سلیمان: تفسیر مقاتل بن سلیمان سرآغاز سوره قدر را دال بر مدنی بودن سوره می‌داند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ص ۷۶۹). اما روشن نیست این نظر از خود مقاتل است یا راوی تفسیر او ابوصالح هذیل بن حبیب؛ زیرا او افزوده‌هایی بر تفسیر دارد. ضمناً توضیحی که در پاورقی کتاب او آمده، مکی بودن سوره را از مقاتل گزارش می‌کند. (همان)

روایات سبب نزول

الف) گزارش و بررسی روایات

روایات سبب نزول، آثار منقول دیگری است که به شناخت مکی و مدنی و همچنین تاریخ‌گذاری سوره‌ها کمک شایانی می‌کند. در مورد سوره قدر چند سبب نزول گزارش شده که در ادامه خواهد آمد و بیان می‌شود که برخی از گزارش‌ها از باب شأن و سبب نزول نبوده، بلکه برای تطبیق محتوای سوره بر برخی رخدادهای پس از نزول است.

- روایت اول: پیغمبر ﷺ به خواب دید بنی‌امیه جانشین او شده‌اند و بر منبر او بالا می‌روند که بر آن حضرت دشوار آمد. در این حال برای تسلی پیامبر ﷺ، دو سوره قدر و کوثر نازل گردید؛ یعنی شب قدر که قرآن به تو رسید، بهتر است از هزار ماه حکومت بنی‌امیه. این روایت با اندکی تفاوت به این صورت نیز گزارش شده است: پیامبر ﷺ فرمود: در خواب به من نشان داده شد که بنی‌امیه همچون بوزینه‌هایی بر منبرم بالا می‌روند، این معنا بر من سخت گران آمد و خدای تعالی در این مناسبت سوره قدر را نازل کرد.

این روایت از طرق زیر گزارش شده است: به طریق قاسم بن فضل از یوسف بن مازن و او از امام حسن مجتبیٰ علیه السلام که گزارش شده بعد از بیعت امام حسن علیه السلام با

معاویه، از ایشان سؤال شد که در پاسخ به سبب نزول سوره قدر اشاره کردند. به سند کلینی از طریق احمد بن محمد از علی بن الحسین و ایشان از امام صادق علیه السلام، به طریق سهل بن زیاد از امام صادق علیه السلام، به سند صحیفه سجّادیه از امام صادق و ایشان از جدشان امام علی علیه السلام، طریق ابن المسیب و ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

این سبب نزول به یکی از طرق فوق در این منابع گزارش شده است: کلینی، ۱۳۶۲ش، ج ۸: ص ۲۲۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ص ۴۵۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۱۴۶۳؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ص ۲۶۷؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱۴: ص ۳۶۲؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰: ص ۵۱۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۱: ص ۱۳۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۶: ص ۳۷۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ص ۴۱۱؛ ابن جزری، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ص ۵۰۰؛ زمخشری، بی تا، ج ۴: ص ۷۸۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰: ص ۲۵۷؛ نووی، بی تا، ج ۲: ص ۶۵۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲: ص ۲۳۱؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵: ص ۵۰۵؛ شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ص ۴۳۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ص ۶۶؛ کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ص ۲۰۰؛ ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ص ۱۳۹۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴: ص ۱۸۴.

- روایت دوم: برای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم یادآور شدند که مردی از بنی اسرائیل شمشیر و سلاح جنگ را بر گردن خود گذارده و هزار ماه در راه خدا جهاد کرد، پس پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از این عمل بسیار تعجب نموده و آرزو کرد که ای کاش در امت من هم چنین مردان موقتی بودند. عرض کرد ای پروردگار من! عمر امت مرا کوتاه و عملشان را کم قرار داده‌ای، پس خدا شب قدر را به او مرحمت نمود و فرمود: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (قدر: ۳). شب قدر از هزار ماهی که آن فرد سلاح خود را بر گردنش گذارد و در راه خدا جهاد کرد، برای تو و امت تو بعد از تو تا روز قیامت در هر ماه رمضان بهتر است. این روایت با اندکی تفاوت این گونه نیز نقل شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب خود فرمودند: مردی از بنی اسرائیل سلاح پوشیده و هزار ماه در راه خدا جهاد کرد، مسلمانان از این مسأله شگفت زده شدند، سپس خدا سوره قدر را نازل کرد.

این روایت به طریق عطاء از ابن عباس و ابونجیح از مجاهد گزارش شده است. این سبب نزول به طریق فوق در منابع زیر گزارش شده است: گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ص ۲۶۷؛ حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۱۲: ص ۱۹۶؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰: ص ۵۱۵؛ ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ج ۱: ص ۲۱۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸: ص ۴۲۶؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰: ص ۳۴۵۴؛ کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ص ۳۵۲؛ مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰:



ص ۳۱۱؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۰: ص ۳۳۳؛ حقی، بی تا، ج ۱۰: ص ۴۸۴؛ سورآبادی، ۱۳۸۰، ج ۴: ص ۲۸۴۵؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۶: ص ۵۳۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ص ۳۷۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ص ۴۱۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق (الف)، ج ۴: ص ۴۷۳؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ص ۵۶۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰: ص ۲۵۶؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ص ۲۸۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲: ص ۲۳۱.

سبب نزول‌های غیر مشهور

علاوه بر سبب نزول‌های مشهور، سبب نزول‌های دیگری در منابع گزارش شده است:

الف) بر رسول خدا ﷺ عرضه نمودند که در بنی اسرائیل مردانی بودند که هشتاد سال روزه بودند و شب تا صبح قیام می نمودند و در روزها با دشمنان جهاد می کردند. حضرت از خدا طلب کرد که در امت او نیز چنین عبادتی باشد، این سوره فرود آمد. این سبب نزول از طریق مثنی بن صباح از مجاهد گزارش شده و در منابع زیر ذکر شده است: ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸: ص ۴۲۶؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰: ص ۳۴۵۴؛ زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ص ۲۹۰۵؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۶: ص ۵۳۷؛ سیوطی، ۱۴۰۶ق، ج ۶: ص ۳۷۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲: ص ۲۳۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۱: ص ۱۳۳.

ب) وقتی عمر امت پیامبر ﷺ را بر او عرضه نمودند و عمر امت پیشین را بیان داشتند، چون عمر امت خود به نظرش کم آمد، این سوره فرود آمد که به عمر کم آنان بر طاعتشان ثواب بسیار می دهیم تا یک شب آنها مطابق با هزار ماه گردد. «إن رسول الله صلی الله علیه و سلم أرى أعمار الناس قبله أو ما شاء الله من ذلك فكأنه تقاصر أعمار أمته أن لا يبلغوا من العمل مثل ما بلغ غيرهم في طول العمر فأعطاه الله ليلته القدر خير من ألف شهر». این روایت از طریق مالک و ابن قاسم از کسی که اهل علم بوده و توثیق شده، اما نامش ذکر نشده، در این منابع اهل سنت گزارش شده است: ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ص ۱۹۶۲؛ سمرقندی، بی تا، ج ۳: ص ۶۰۱؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۳۰: ص ۴۰۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸: ص ۴۲۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۱: ص ۱۳۳؛ سیوطی، ۱۴۰۶ق، ج ۶: ص ۳۷۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰: ص ۲۵۵؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ص ۴۵۳. این روایت در بیشتر منابع با اندک تفاوت همراه با روایت قبلی ذکر شده است که به نظر می رسد صحیح همین صورت دومی است، به دلیل اینکه در بیشتر منابع شیعی به این

صورت آمده است: «ذکر لرسول الله ﷺ رجل من بنی اسرائیل أنه حمل السلاح علی عاتقه فی سبیل الله تعالی ألف شهر فعجب من ذلك رسول الله صعبا شديدا و تمنى أن يكون ذلك فی أمته فقال يا رب جعلت أمتی أقصر الناس أعمارا و أقلها أعمالا فأعطاه الله ليلة القدر و قال ليلة القدر خير من ألف شهر الذي حمل الإسرائيلي السلاح فی سبیل الله لك و لأمتك من بعدك إلى يوم القيامة فی كل رمضان». (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ص ۷۸۹)

این روایت از طریق عطاء از ابن عباس گزارش شده که در این منابع آمده است: بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ص ۲۸۸؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ص ۴۵۳؛ ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ج ۱: ص ۲۲۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ص ۶۲۱؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ص ۲۶۷؛ دخیل، ۱۴۲۲ق، ص ۸۲۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ص ۳۵۲.

(ج) از حضرت رسول خدا ﷺ حدیث می‌کنند چهار عابد را نام برد که هر یک هشتاد سال عبادت کردند و هیچ معصیت نمودند: ایوب، زکریا، حزقیل، یوشع. صحابه تعجب نمودند، آن گاه جبرئیل این سوره را آورد و بیان نمود که عبادت یک شب تو بهتر است از عبادت هزار ماه آنها. این سبب نزول تنها از طریق علی بن عروه گزارش شده و در این منابع ذکر شده است: جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ص ۴۱۳؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰: ص ۳۵۳؛ ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ص ۱۹۶۲؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰: ص ۵۱۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸: ص ۴۲۶؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰: ص ۳۴۵۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۱: ص ۱۳۲؛ سیوطی، ۱۴۰۶ق، ج ۶: ص ۳۷۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ص ۴۱۵؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۵: ص ۴۱۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰: ص ۲۵۵.

(ب) نکته‌ها و نقدها

نکته‌ها

۱- روایت اول در سبب نزول برای آیه ۶۰ سوره اسراء و نیز آیات ۲۰۵ تا ۲۰۷ سوره شعراء و سوره کوثر گزارش شده است. همچنین بعضی روایات سبب نزول، همزمانی نزول آیات مذکور با سوره قدر و با سبب نزول مشترک را گزارش می‌کند. به این ترتیب که روایت اول به سند صحیفه سجادیه از امام صادق و او از جدش امام علی علیه السلام، همزمانی نزول آیه ۶۰ اسراء و قدر را گزارش می‌دهد، به سند کافی و به طریق احمد بن محمد از امام صادق علیه السلام و همچنین سهل بن زیاد از ایشان، همزمانی



نزول سوره قدر با آیات ۲۰۵ تا ۲۰۷ سوره شعراء را گزارش می‌دهد، و به طریق قاسم بن فضل از امام حسن مجتبی علیه السلام، همزمانی نزول سوره قدر با سوره کوثر را گزارش می‌دهد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ص ۲۰۰)

۲- راویان سبب نزول مشهور همه به ائمه علیهم السلام و به ابن عباس و مجاهد می‌رسد. این روایت در بسیاری از منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است.

نقدها

در مورد روایت نخست، این روایت سند صحیحی دارد و به صورت مستفیض در بسیاری از منابع شیعه و اهل سنت نقل شده، اما نمی‌توان آن را به‌عنوان سبب نزول قلمداد نمود، بلکه به‌عنوان تطبیق این سوره با رخدادها متفاوت است.

۱- اگر این روایت به‌عنوان سبب نزول محسوب شود، لازمه‌اش اعتقاد به تعدد نزول سوره قدر است که گویی یک بار با سوره اسراء، بار دوم با سوره شعراء و بار سوم با سوره کوثر نازل شده و اعتقاد به تعدد نزول، مستلزم تحقیر مقام شامخ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؛ چون بنا بر این اعتقاد، آن حضرت آن قدر فراموشکار بوده که جبرئیل ناگزیر می‌شده است یک سوره را برای یک موضوع چندبار به آن حضرت وحی کند تا او آن را به خاطر سپارد یا به معنای آن واقف شود و یا ملتزم به اجرای حکم آن گردد، بنابراین فایده‌ای بر تعدد نزول مترتب نیست. (نکونام، ۱۳۸۰: ص ۸۴)

۲- اگر همزمانی نزول سوره قدر را با سوره کوثر و آیه ۶۰ سوره اسراء و نیز آیات ۲۰۵ تا ۲۰۷ سوره شعراء بپذیریم، با روایات ترتیب نزول سوره قدر که پس از سوره عبس و شمس نشان می‌دهد، در تناقض خواهد بود.

۳- مفسرانی که معتقدند سوره قدر مدنی است، به این روایت استناد کرده‌اند، چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مکه منبر نداشته‌اند، بلکه در مسجد مدینه برای پیامبر منبر ساخته شد. این سبب نزول دلیلی بر مدنی بودن سوره است. البته این استدلال قابل نقد است: اولاً خواب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌تواند رؤیای صادقه باشد و از آینده خبر دهد و این رؤیای صادقه با فرض سبب نزول بودن، منافاتی با مکی بودن سوره قدر ندارد. ثانیاً وجود منبر در مراسم خواندن شعر نشان می‌دهد که اشخاص از جمله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تصور ذهنی از منبر داشته‌اند و دیدن منبر در خواب مسأله‌ای نیست که بتوان این چنین به آن استدلال

کرد و با استناد به این دلیل سست در مقابل دلایل روایی و عقلی قوی، به مدنی بودن سوره قدر معتقد شد.

۴- ضمن چشم‌پوشی از سند و منبع اغلب این گزارش‌ها، برخی از آنها که به‌عنوان شأن نزول مطرح شده، به قصد بیان شأن و سبب نزول نیست، بلکه برای تطبیق محتوای سوره با رخدادی است که به وقوع پیوسته است، ضمن اینکه در برخی از آنها آمده که چون پیامبر از کمی عمر امت خویش نگران بود، خدای متعال شب قدر را به وی عطا کرد. عطا کردن شب قدر با نزول سوره قدر دو مطلب جداگانه است.

یکی دیگر از مؤیدهایی که این گزارش‌ها را باید تطبیقی دانست نه سبب نزول، این است که در برخی از آنها هزار ماهی که در این سوره آمده، با هزار ماه دولت بنی‌امیه منطبق شده است. روشن است که اگر واقعاً این گزارش سبب نزول بوده، باید دقیق منطبق باشد، در حالی که دولت بنی‌امیه بیش از هزار ماه حکومت داشته‌اند (فیروزآبادی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ص ۹۸) و این خود می‌رساند که از باب تطبیق تقریبی این سوره به حکومت یافتن بنی‌امیه در اواخر عمر نبی بوده، پس از اینکه این سوره در مکه نازل شده بود.

نتیجه: سبب نزول خاص و معتبری برای سوره قدر وجود ندارد تا ما را به تاریخ‌گذاری دقیق سوره رهنمون کند و روایات وارد شده در این مقام، از باب تطبیق تقریبی محتوای سوره بر رخداد‌های مختلفی چون هزار ماه حکومت بنی‌امیه، هزار ماه عبادت عابدان بنی‌اسرائیل، یا هزار ماه پیکار و جنگ در راه خدا و امثال آن است، نه سبب و شأن نزولی که سوره قدر برایش نازل شده باشد.

ضوابط و خصایص شناخت مکی و مدنی

عالمان علوم قرآن و مفسران برای شناخت مکی و مدنی، علاوه بر راه سماعی - که سه بخش پیشین این نوشتار بر آن استوار بود - راهی قیاسی نیز می‌پیمایند. اساس این راه، ضوابط و خصایص سوره‌های مکی و مدنی است. در این بخش سوره قدر به این اعتبار مورد بررسی قرار می‌گیرد (مراد از ضوابط در این علم، اصولی است که غالباً به خصوصیات الفاظ ارتباط دارد و مراد از خصایص، اموری است که به خصوصیات اسلوب و معنا وابستگی دارد).



قبل از ورود به بحث، توجه به این نکته ضروری است که هر یک از ضوابط ممکن است تعدادی از سوره‌های مکی و مدنی را شامل شود و به دلیل مورد استثنایی، به تنهایی الزامی برای اثبات امر به حساب نمی‌آید؛ به خصوص در مورد خصوصیات که فقط اموری شایع و پرکاربرد در سوره‌های هر بخش است و موارد استثنایی آنها به مراتب بیشتر از ضوابط است.

۱. ضوابط و ویژگی‌های غالبی سوره‌های مکی و مدنی

در این فصل به قواعد و خصوصیتی که با آنها سوره‌های مکی از مدنی قابل تشخیص می‌شود و می‌توان با وجود این نشانه‌ها، اطمینان نسبی از مکی یا بودن یک سوره به دست آورد، بررسی می‌شود.

الف) ضوابط و ویژگی‌های غالبی سوره‌های مکی

۱- هر سوره‌ای که با حروف مقطعه شروع شده، مکی است، به جز سوره بقره و آل عمران. (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۲۷۵؛ سیوطی، بی تا، ج ۱: ص ۶۹؛ زرقانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ص ۱۹۷؛ صالح، ۱۹۸۸: ص ۱۸۲)

۲- هر سوره‌ای که در آن واژه «کَلَّا» به کار رفته، مکی است. (سخاوی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ص ۲۴۷؛ زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۲۷۵؛ سیوطی، بی تا، ج ۱: ص ۷۰؛ زرقانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ص ۱۹۶)

۳- مواردی که در دسته سوره‌های مفصل قرار ندارد، مکی خواهند بود. طبق این ضابطه، سوره قدر مکی است. (سیوطی، بی تا، ج ۱: ص ۷۰؛ زرقانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ص ۱۹۷؛ حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ص ۱۶۴)

۴- سوره‌هایی که در آنها عبارت «یا ایها الناس» آمده باشد، ولی از عبارت «یا ایها الذین امنوا» خالی باشد، مکی خواهد بود. (ابوعبیده، ۱۴۲۶ق: ص ۲۲۲؛ زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۲۷۶؛ سیوطی، بی تا، ج ۱: ص ۶۸؛ زرقانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ص ۱۹۷؛ حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ص ۱۶۲)

۵- سوره‌هایی که در آن داستان انبیا و امت‌های پیشین آمده، به جز سوره‌های بقره و آل عمران، مکی است. (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۲۷۶؛ سیوطی، بی تا، ج ۱: ص ۶۸؛ زرقانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ص ۱۹۷؛ حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ص ۱۶۵)

۶- سوره‌ای که در آن آیه سجده قرار دارد، مکی است. (سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ص ۶۸)
 ۷- خصوصیات اسلوبی سوره‌های مکی بیشتر در کوتاهی آیات و سوره‌ها (زرقانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ص ۲۰۳؛ صالح، ۱۹۸۸: ص ۱۸۳؛ حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ص ۱۶۸)، کثرت اسلوب تأکید و الفاظ تثبیت معنا، همانند سوگند بسیار، تشبیه، ضرب المثل، کثرت فواصل، تعبیر و وزن و سجع نیرومند (حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ص ۱۶۸) است که سوره قدر این اسلوب‌ها را دارد.

قرینه دیگری که مکی بودن این سوره را تأیید کرده و در زمره خصوصیات اسلوبی سوره‌های مکی است، جمله «و ما ادراک...» است. «ما ادراک» در قرآن ۱۳ مرتبه و در ۱۰ سوره آمده است. این سوره‌ها یا بالاتفاق مکی است، یا اگر اختلاف است، قول به مکی بودن آنها قوی‌تر است.

طبق این ضوابط و نشانه‌های غالبی، سوره قدر در زمره سوره‌های مفصل نیست، آیه‌های کوتاه داشته و با ادات تأکید شروع شده و فواصل و سجع سوره به وضوح نمایان است.

ب) ضوابط و ویژگی‌های غالبی سوره‌های مدنی

۱- هر سوره‌ای که در آن فریضه و سنتی به‌کار رفته باشد. (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۲۷۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ص ۶۹)

۲- هر سوره‌ای که در آن فرمان جهاد و احکام آمده است. (زرقانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ص ۱۹۸؛ صالح، ۱۹۸۸: ص ۱۸۳)

۳- سوره‌هایی که در آن عبارت «یا ایها الذین امنوا» به‌کار رفته، ولی عبارت «یا ایها الناس» به‌کار نرفته باشد، مدنی خواهد بود. (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۲۷۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ص ۶۸؛ زرقانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ص ۱۹۷)

۴- هر سوره‌ای که در آن ذکر منافقان آمده، به‌جز سوره عنکبوت، مدنی است. (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۲۷۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ص ۶۹؛ زرقانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ص ۱۹۸)

۵) خصوصیات اسلوبی سوره‌های مدنی بیشتر در طولانی بودن سوره‌ها و آیات و اسلوب آرام و استدلالی روشن در رویارویی با اهل کتاب و اسلوب تحقیر در مقابله با



منافقان است. (زرقانی، ۱۴۰۸ق، ج: ۱: ص ۲۰۴؛ صالح، ۱۹۸۸: ص ۱۸۴؛ حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج: ۱: ص ۱۷۱)

۶- خصوصیت محتوایی این سورها نیز در بیان جزئیات شرع و تفصیل احکام و انواع قوانین مدنی، اجتماعی، جنگی، کشوری، حقوق شخصی و ...، تشریح جهاد و فلسفه و احکام آن، آشکار ساختن حالت منافقان و روشن کردن رسوایی آنها و پرهیز دادن از آنها، و دعوت اهل کتاب به اسلام و اقامه دلیل علیه آنها می‌باشد. (زرقانی، ۱۴۰۸ق، ج: ۱: ص ۲۰۴؛ صالح، ۱۹۸۸: ص ۱۸۳؛ حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج: ۱: ص ۱۷۱)

با توجه به مطالب بالا، سوره قدر هیچ یک از ضوابط و خصوصیات متنی و محتوایی سوره‌های مدنی را ندارد و این خود تأییدیه‌ای در مکی بودن این سوره است. اگرچه این ضوابط و نشانه‌ها به‌عنوان یک قاعده کلی در شناخت سوره‌ها کاربرد ندارد، اما وصف بیشتر سوره‌های مکی و مدنی این چنین است.

تاریخ‌گذاری و تخمین زمان نزول سوره قدر

اکنون با توجه به مطالب بخش‌های پیشین، می‌توان به محدوده زمانی نزول سوره قدر نزدیک شد.

۱. تاریخ‌گذاری با توجه به روایات ترتیب نزول سوره‌ها

با عنایت به روایات ترتیب نزول سوره‌ها، هم مکی بودن سوره قدر و هم نزول ترتیب آن در محدوده میانی سوره‌های مکی و هم نزول آن بعد از سوره نجم و عبس و قبل از سوره شمس به‌دست می‌آید، حال آنکه در مکی بودن سوره عبس هیچ اختلافی نیست و در زمره سوره‌هایی است که در اوایل مرحله میانی مکه نازل شده است. (صالح، ۱۹۸۸: ص ۱۸۵)

اگر ۱۳ سالی را که پیامبر ﷺ در مکه به سر برده، به سه بخش تقسیم کنیم، اوایل مرحله میانی آن حدود سال چهارم و پنجم خواهد بود. سوره قدر کمی بعد از سوره عبس یا در زمان نزول این سوره نزول یافته که تاریخ تقریبی آن سال‌های چهارم و پنجم پس از بعثت خواهد بود.

۲. تاریخ‌گذاری بر اساس روایات سبب نزول سوره قدر و سوره‌های همسو

درباره روایات سبب نزول سوره قدر گفته شد که از باب تطبیق است نه سبب و شأن نزول، از این رو نمی‌توان با روایات و گزارش‌های وارد شده در این باب تخمین تاریخ زد، اما اطلاعات و شأن نزول‌های سوره‌هایی که در ترتیب نزول مشهور به همراه سوره قدر بوده، تا حدودی به تاریخ این سوره کمک می‌کند. طبق ترتیب نزول مشهور، این چند سوره پشت سر هم نازل شده‌اند: اخلاص، نجم، عبس، قدر و شمس.

درباره سوره نجم سخنی از ابن مسعود نقل شده که گفته است: «هی أَوْلُ سُورَةٍ أَعْلَنَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَمَكَّهُ؛ سوره نجم اولین سوره‌ای بود که پیامبر به صورت عمومی در مکه آن را بیان داشت» (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۷: ص ۹۵). چنان‌که در کتب تاریخ آمده، رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ابتدا دعوتی مخفیانه داشت و پس از نزول آیه شریفه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر: ۱۵)، دعوت خویش آشکار نمود.

درباره تاریخ دعوت علنی آن حضرت در ذیل همین آیه آمده است: «نزلت هذه الآية في السنة الرابعة أو الخامسة من البعثة و رسول الله - عليه الصلاة و السلام - مختلف في دار الأرقم بن أبي الأرقم. روى عن عبد الله بن مسعود قال: ما زال النبي صلى الله عليه و سلم مستخفياً حتى نزلت: فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ فخرج هو و أصحابه ... فبعد تلك الواقعة دخل رسول الله صلى الله عليه و سلم و أصحابه دار الأرقم عند الصفا فكانوا يقيمون الصلاة بها...؛ این آیه در سال چهارم یا پنجم پس از بعثت نازل شده و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در منزل ارقم بن ابی ارقم مخفی بود. ابن مسعود گوید: دعوت حضرت رسول پیوسته در پنهان بود تا این آیه نازل شد ... پس از این رخداد، پیامبر و اصحاب به خانه ارقم در نزدیکی کوه صفا وارد شدند و در آنجا به اقامه علنی نماز پرداختند». (همان، ج ۱۳: ص ۷۰)

پس در سال چهارم یا پنجم پس از بعثت، وقتی که حضرت دعوت علنی خویش را آغاز نمود، اولین سوره‌ای را که برای مردمان آشکارا خواند، سوره نجم بوده و پس از آن سوره عبس و قدر بوده است که طبعاً سوره قدر نباید فاصله زمانی طولانی با سوره نجم داشته باشد و زمان تقریبی سال چهارم یا پنجم پس از بعثت برای سوره قدر نیز تخمین زده می‌شود.

۳. تخمین زمان نزول سوره قدر

با توجه به مطالب بیان‌شده، می‌توان تاریخ نزول سوره قدر را در سال چهارم یا پنجم پس از بعثت تخمین زد. این اختلاف نیز به علت این است که در سال علنی کردن دعوت پیامبر اختلاف است، به علاوه بعدیت این سوره پس از سوره عبس و نجم زمانی اندک دربر داشته که دقیق مشخص نیست.

نتیجه‌گیری

از آنچه تا اینجا آمد، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱- بیشتر گزارش‌های ترتیب نزول سوره‌های قرآن که اغلب به ابن عباس برمی‌گشت، حاکی از مکی بودن این سوره و قرار داشتن آن بین سوره عبس و شمس بود.

۲- روایت غیر مشهور که علی بن ابی‌طلحه گزارشگر آن بود، علاوه بر تعارضش با نقل‌های مشهور و متفاوت، دچار به هم ریختگی‌هایی چند در ترتیب سوره‌ها بود.

۳- مرحوم صدوق به نقل از امام صادق علیه السلام و به قول از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، سوره قدر را سوره‌ای دانست که پس از سوره اخلاص شنیده است.

۴- بیشتر مفسران سوره قدر را مکی دانسته و برخی که آن را مدنی دانسته‌اند، به احتمال قوی ناشی از شأن نزول‌های وارد شده است.

۵- روایاتی در باب شأن نزول این سوره از جمله بالا رفتن بوزینگانی چند بر منبر رسول خدا و تطبیق آن بر بنی‌امیه، عبادت هزارماهه عابدان بنی‌اسرائیل، پیکار هزارماهه برخی بنی‌اسرائیل در راه خدا و ... برای این سوره نقل شده است.

۶- بیشتر این روایات دچار ضعف منبع و سند هستند، ضمن اینکه لزوماً از آنها مدنی بودن سوره برداشت نمی‌شود و در برخی سخن از اعطای شب قدر به علت ناراحتی حضرت رسول از کوتاهی عمر امت است و روشن است که اعطای شب قدر غیر از نزول سوره قدر است.

۷- سوره‌های مکی و مدنی هر یک دارای ویژگی‌هایی غالبی است. مثلاً سوره‌های مکی کوتاه و با محتوای توحید و معاد هستند، اما سوره‌های مدنی غالباً بلند با محتوای احکام و مناسک عبادی‌اند. سوره قدر از این منظر بیشتر به سوره‌های مکی شبیه است تا مدنی.



- ۸- طبق ادعای صبحی صالح، سوره عبس مکی و در اوایل مرحله میانی مکه نازل شده است. مرحله میانی مکه همان سال‌های چهارم و پنجم پس از بعثت است.
- ۹- در ترتیب نزول مشهور، سوره قدر پس از سوره‌های نجم و عبس است. درباره سوره نجم آمده که این سوره اولین سوره‌ای است که به صورت علنی در مکه اعلام شده است. اعلان دعوت پیامبر پس از سالیانی چند در سال چهارم یا پنجم پس از بعثت بوده و از این رو، سوره قدر نیز به همراه سوره نجم و عبس، در همین سال‌ها نازل شده است.
- ۱۰- طبق مطالب بیان شده، سوره قدر سوره‌ای مکی است و در سال چهارم یا پنجم پس از بعثت نازل شده و شأن نزول‌های وارد شده از باب جری و تطبیق محتوای این سوره بر رخداد‌های پیش آمده است.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید.
۲. آل غازی، ملاحویش عبدالقادر (۱۳۸۲ق)، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی.
۳. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، عربستان: مکتبه نزار المصطفی الباز.
۵. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن (۱۴۲۲ق) (الف)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی.
۶. _____ (۱۴۲۲ق) (ب)، فنون الافنان فی عجائب علوم القرآن، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.
۷. ابن ضریس، محمد بن ایوب (۱۴۰۸ق)، فضائل القرآن و ما انزل من القرآن بمکه و ما انزل بالمدينه، دمشق: دار الفکر.
۸. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاریخ.
۹. ابن عربی، محی الدین (۱۴۲۲ق)، تفسیر ابن عربی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیه.



۱۱. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (بی تا)، *غریب القرآن ابن قتیبه*، بی جا: بی نا.
۱۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، بیروت: دار المعرفه.
۱۴. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت: دار الفکر.
۱۵. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.
۱۶. بغدادی، علی بن محمد (۱۴۱۵ق)، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۷. بغوی، حسین بن احمد (۱۴۲۰ق)، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۷۷ق)، *جلاء الازهار و جلاء الاحزان*، تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. حائری تهرانی، میر سید علی (۱۳۷۷)، *مقتضیات الدرر و ملتقطات الثمر*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۳. حسکانی، عبیدالله بن احمد (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۲۴. حسین احمد، عبدالرزاق (۱۴۲۰ق)، *المکی و المدنی فی القرآن الکریم*، قاهره: دار ابن عفان.
۲۵. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا)، *تفسیر روح البیان*، بیروت: دارالفکر.
۲۶. حلّی، علی بن طاووس (بی تا)، *سعد السعود*، بی جا: بی نا.
۲۷. دخیل، علی بن محمد بن علی (۱۴۲۲ق)، *الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۸. دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳ق)، *التفسیر الحدیث*، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
۲۹. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۰. رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۱. زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ق)، التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، بیروت و دمشق: دار الفکر المعاصر.
۳۲. _____ (۱۴۲۲ق)، التفسیر الوسیط، دمشق: دار الفکر.
۳۳. زرقانی، عبدالعظیم (۱۴۰۸ق)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دار الفکر.
۳۴. زركشى، بدرالدین (۱۴۱۵ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۳۵. زمخشری، محمود بن عمر (بی تا)، الکشف عن حقائق التنزیل، بیروت: دار الفکر.
۳۶. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹ق)، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۳۷. سخاوی، علی بن محمد (۱۴۱۹ق)، جمال القراء و کمال القراء، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة.
۳۸. سمرقندی، نصرین محمدین احمد (بی تا)، بحر العلوم، بی جا: بی نا.
۳۹. سورآبادی، عتیق بن محمد (۱۳۸۰)، تفسیر سورآبادی، تهران: نشر فرهنگ نو.
۴۰. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۱. _____ (۱۴۲۱ق)، التحدیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الفکر.
۴۲. _____ (بی تا)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: منشورات رضی.
۴۳. شبر، سید عبدالله (۱۴۰۷ق)، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتب المبین، کویت: مکتبة الالفین.
۴۴. شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، فتح القدر، بیروت: دار الکتب الطیب.
۴۵. شیبانی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، تهران: نشر دائرة المعارف اسلامی.
۴۶. صبحی صالح (۱۹۸۸)، مباحث فی علوم القرآن، بیروت: دار العلم للملایین.
۴۷. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۳۸۵)، علل الشرایع، قم: داوری.
۴۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۴۹. طنطاوی، سید محمد (بی تا)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی جا: بی نا.
۵۰. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۱. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالتقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۵۲. غرناطی، ابن جزری (۱۴۱۱ق)، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: دار الارقم بن ابی الارقم.
۵۳. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق)، الصافی، تهران: انتشارات صدر.



۵۴. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۶ق)، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز، بیروت: المكتبة العلمية.
۵۵. قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴ق)، الجامع لاحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۵۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، قم: دار الکتب.
۵۷. کاشانی، محمدبن مرتضی (۱۴۱۰ق)، تفسیر المعین، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۵۸. کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶ق)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی.
۵۹. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۲)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۶۰. گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸ق)، بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۶۱. ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، النکت و العیون، بی جا: بی نا.
۶۲. مراغی، احمدبن مصطفی (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۶۳. مظهری، محمد ثناء الله (۱۴۱۲ق)، التفسیر المظهری، پاکستان: مكتبة رشديه.
۶۴. مغنیه، محمد جواد (بی تا)، التفسیر المبین، قم: بنیاد بعثت.
۶۵. میبدی، رشیدالدین (۱۳۷۱)، کشف الاسرار و عتة الابرار، تهران: امیرکبیر.
۶۶. نحاس، ابو جعفر محمدبن احمد (بی تا)، الناسخ و المنسوخ فی القرآن، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة.
۶۷. نکونام، جعفر (۱۳۸۰)، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران: هستی نما.
۶۸. نووی، محمدبن عمر (۱۴۱۷ق)، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۶۹. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷۰. هروی، ابو عبید قاسم بن سلام (۱۴۲۶ق)، فضائل القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة.